اخباروگزارش های کارگری 25 آبان ماه 1405

- آبان ۹۸؛ فریاد زندگی‌خواهی مردم؛ پاسخ خونبار حاکمیت

- زنده و جاوید باد یاد محسن محمدپور به قتل رسیده بدست نیروهای سرکوب حکومت اسلامی

- بیانیه اتحاد بازنشستگان در محکومیت حکم اعدام

اعدام را متوقف کنید؛ جان انسان‌ها میدان انتقام‌جویی نیست!

- ادامه دوشنبه اعتراضی کارگران بازنشسته مخابرات کشورنسبت به کاهش قدرت خرید ،عدم پرداخت مطالبات و قطع خدمات بیمه تکمیلی با برپایی راهپیمایی و تجمع در شهرهای أصفهان،ایلام ،تبریز، سنندج،کرمانشاه، مشهد وهمدان مقابل ویا در ساختمان مرکزی شرکت مخابرات استان های أصفهان،ایلام ،آذربایجان شرقی، کردستان، کرمانشاه ،خراسان رضوی وهمدان،

بروجرد و بیجارمقابل اداره مخابرات شهرستان

وتهران مقابل وزارت ارتباطات

- تجمع اعتراضی کارگران لایروبی آبفا ماهشهر نسبت به بلاتکلیفی شغلی ومعیشتی مقابل فرمانداری

- پایمالی آشکار حقوق کارگران رسمی و باسابقه مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه با بازنشستگی اجباری ؛تعلیق از کار یکی ازاین کارگران با سابقه کنشگروهمچنین تعلیق از کار تعدادی دیگر از کارگران کشنشگر قراردادی و غیررسمی

- فراخوان دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس برای اعتراض به وضعیت اسف‌بار تغذیه دانشگاه

با سینی‌های خالی، صدای اعتراضمان را بلند کنیم!

- رد صلاحیت گستردهٔ دانشجویان کاندید برای شورای صنفی

- رفتارهای توهین‌آمیز نهاد حراست دانشگاه خواجه نصرالدین طوسی به بهانهٔ کنترل پوشش

- اقدام به تعرض به سه اینترن زن در بیمارستان بجنورد

- برگی از تاریخ

قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای

- سوگند صیادی؛ از مدرسه تا مسلخ خشونت و مرگ!

-#بیانیه مشترک تشکل های مستقل

در سوگ کارگران ان جی ال ۳۳۰۰ و محکومیت عاملان حوادث کار

- آغاز سی‌وششمین کنفرانس سراسری کشاورزان با راهپیمایی گسترده در تلانگانا هند

- اعتصاب نامحدود 4 هزار معلم لیتوانی در اعتراض به افزایش ناکافی دستمزدها

- مسدود کردن ورودی کارخانه تسلیحاتی دایهل دیفنس آلمان در اعتراض به صادرات سلاح به اسرائیل

- اعتصاب و تجمع سراسری کارگران پست نروژ در اعتراض به حذف 2 هزار شغل

اعتصاب همبستگی کارگران حمل‌ونقل اسلو

- اعتصاب 3 روزه کارگران و رانندگان متروپرتغال برای افزایش دستمزد وبهبود شرایط کاری

- ادامه پرپرشدن کارگران براثر حوادث کاری زیرسایه بی خیالی صاحب منصبان:

1- جان باختن یکی دیگر ازکارگران مصدوم حادثه واژگونی سرویس رفت و آمد کارگران مجتمع گاز و گاز مایع NGL3100 دهلران در بیمارستان دزفول

2- جان باختن یک کارگرپتروشیمی فن‌آوران پس از 36 ساعت دست و پنجه نرم کردن با مرگ در بیمارستان

3- قطع عضو 3 کارگردراراک براثر حوادث کاری طی 3 ساعت

5- جان باختن یک کارگر سوخت بر دیگربراثرتصادف درجاده شهربزمان به ایرانشهر

****

***آبان ۹۸؛ فریاد زندگی‌خواهی مردم؛ پاسخ خونبار حاکمیت**



اعتراض به گرانی حق انسانی همگان است، خصوصا اگر عامل آن حاکمیت باشد.

پاسخ به اعتراض، نمایانگر نوع حکمرانی حاکمان بر مسند حکومت است.

اما پاسخ حکومت به مردم تحت ستم، در آبان خونین ۹۸ چه بود؟

پاسخ حاکمان هیچگاه از مجرای خرد بیرون نیامده؛ یا از دهانه‌ی تفنگ بیرون آمده، یا از شکنجه‌های مرگبار یا از برپا ساختن دار اعدام.

آبان ۹۸، فریاد مردمانی فرودست و مطرود بود که جز زندگی چیزی نمی‌خواستند. جوانانی که آینده می‌خواستند، پدرانی که سفره‌ی بدون شرم آرزو داشتند و مادرانی که به انتظار برگشت فرزندان معترض خود نشسته بودند. و این انتظار در زندان و دار و مزار بسر آمد.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، ضمن گرامیداشت یاد و نام آسیب‌دیدگان، زندانیان خصوصا جانباختگان و اعدام شدگان آبان خونین ۹۸، اعلام می‌کند: برای شکستن این چرخه‌ی خونبار « اعتراض - کشتار» و گذار از استبداد، ورود به مسیر سازمان‌یابی آگاهانه، ایجاد همبستگی میان اقشار مختلف مردم، شکل‌دهی به تشکل‌های صنفی و مدنی، گسترش نافرمانی‌های مدنی، مقاومت هماهنگ، زنده نگه داشتن صدای دادخواهی و آگاهی بخشی مستمر، اصلی‌ترین ابزارها برای محدود کردن قدرت سرکوب و تحقق حاکمیت واقعی مردم بر سرنوشت خویش است.

***زنده و جاوید باد یاد محسن محمدپور به قتل رسیده بدست نیروهای سرکوب حکومت اسلامی**

25 آبان 1398 محسن محمدپوردانش آموز- کارگر 17 ساله باضربات شوکر و باتون نیروهای سرکوب حکومت اسلامی برسرش در خرمشهر به کمارفت وپس از چند روز دست وپنجه نرم کردن با مرگ دربیمارستان جان خودرا ازدست داد.

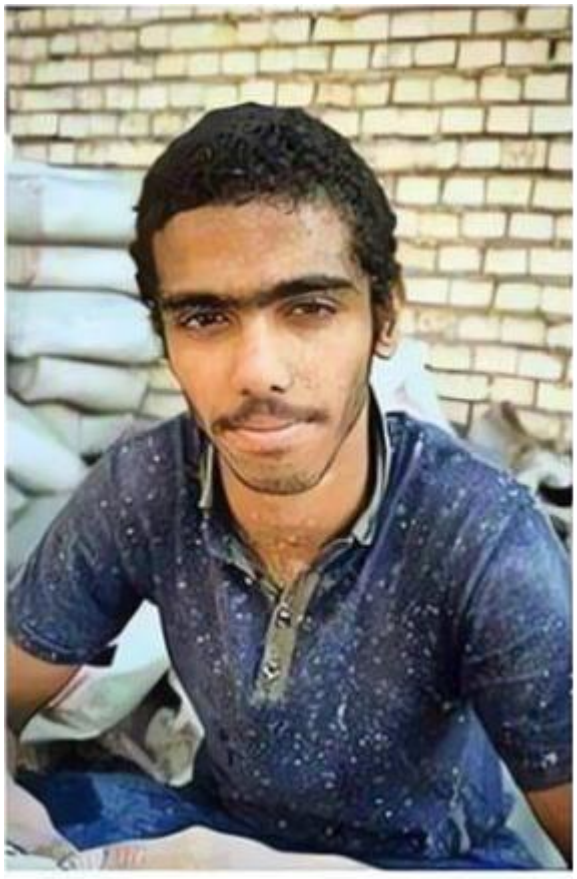

***بیانیه اتحاد بازنشستگان در محکومیت حکم اعدام**

اعدام را متوقف کنید؛ جان انسان‌ها میدان انتقام‌جویی نیست!

در روزهایی که جامعه میان تعلیق جنگ و آتش‌بس، اضطراب و بی‌ثباتی و تنگی معیشت دست‌وپا می‌زند، ماشین مرگ حکومت حتی لحظه‌ای از کار نمی‌ایستد. هر سحرگاه، طناب‌های دار برای گرفتن جان جوانانی آماده می‌شوند که جرم بسیاری از آنان، اعتراض به زندگیِ تحقیرشده، فقر تحمیلی، بیکاری، گرانی، فقدان آزادی و محرومیت از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی بوده است. جوانانی که هنوز فرصت زندگی نیافته‌اند، در برابر چوبه‌های دار قرارمی‌گیرند و داغ مرگشان بر جان جامعه می‌نشیند.

اعدام قتل حکومتی‌ست و حکومت از مردم به‌دلیل اعتراضات انتقام می‌گیرد؛ از آنانی که به بیکاری، فقر، گرانی، ناتوانی در تأمین یک زندگی مستقل و خفقان سیاسی معترض‌اند. اعتراض را جرم‌انگاری می‌کند، با شکنجه و اعترافات اجباری پرونده‌سازی می‌کند و به معترضان اتهام جاسوسی و امنیتی می‌زند و سرانجام طناب دار را به‌عنوان پاسخ خود به فریاد حق‌خواهی مردم به کار می‌گیرد. این پدیده شوم، انتقام‌گیری عریان از انسان‌هایی است که جرئت کرده‌اند به وضع موجود "نه" بگویند.

معترضان حق زندگی دارند. هیچ حکومتی حق ندارد جان انسان‌ها را به ابزار ارعاب جامعه و خاموش‌کردن صدای اعتراض تبدیل کند. با سرکوب و اعدام نمی‌توانند صدای حق‌خواهی جامعه را خاموش کنند یا بحران‌های اجتماعی را برطرف نمایند. این چرخه‌ی خونین باید یک‌بار برای همیشه متوقف شود.

چنانچه پای جرائم اجتماعی و بزهکاری نیز در میان باشد، چه کسانی و چه ساختارهایی انسان‌ها را به ورطه‌ی فقر، محرومیت، تبعیض و بزهکاری رانده‌اند؟ بسیاری از کسانی که امروز به چوبه دار سپرده می‌شوند، محصول همین ساختار و مناسبات نابرابر، فقر اقتصادی و فرهنگی، تبعیض و نابودی فرصت‌های زندگی‌اند. مسببان این ویرانی کجا ایستاده‌اند؟ پشت کدام دیوارهای بلند، از پیامد سیاست‌های ویرانگر خود در امان مانده‌اند؟ چرا باید قربانیان این مناسبات تاوان بدهند و آمران و عاملان این تباهی از پاسخ‌گویی مصون بمانند؟

ما بازنشستگان، که سال‌ها کار کرده‌ایم و اکنون باید شاهد اعدام فرزندان این سرزمین باشیم، در برابر این حجم از بیداد سکوت نخواهیم کرد. نمی‌پذیریم که مرگ جوانان به امری عادی و روزمره تبدیل شود؛ نمی‌پذیریم که طناب دار جای پاسخ‌گویی به مطالبات مردم را بگیرد.

ما در خیابان با صدایی بلند و رسا نه به اعدام را فریاد کرده و می‌کنیم.

نه به اعدام، پرونده‌سازی، اعترافات اجباری و سرکوب معترضان!

۲۵/۰۸/۱۴۰۵

اتحاد بازنشستگان

***ادامه دوشنبه اعتراضی کارگران بازنشسته مخابرات کشورنسبت به کاهش قدرت خرید ،عدم پرداخت مطالبات و قطع خدمات بیمه تکمیلی با برپایی راهپیمایی و تجمع در شهرهای أصفهان،ایلام**

،تبریز، سنندج،کرمانشاه، مشهد وهمدان مقابل ویا در ساختمان مرکزی شرکت مخابرات استان های أصفهان،ایلام ،آذربایجان شرقی، کردستان، کرمانشاه ،خراسان رضوی وهمدان،

بروجرد و بیجارمقابل اداره مخابرات شهرستان

وتهران مقابل وزارت ارتباطات

روزدوشنبه 25 آبان

شعارها:

«فقط کف خیابون بدس میاد حق مون»

« بازنشسته بپا خیز علیه ظلم و تبعیض»

«بازنشسته دادبزن حق تو فریاد بزن»

«دبگه نگید نداریم خسته از این شعاریم»

«امروز و فردا نکنید حق ما را ادا کنید»

«تا حق خود نگیریم دوشنبه ها می آئیم»

«اجرای آئین نامه حق مسلم ماست»

«شرکت پردرآمد چی برسرتوآمد»

«سهامدار عمده ننگت باد ننگت باد»

«وزیر بی لیاقت حامی ظالمان است»

«وزیر بی‌لیاقت خجالت خجالت»

«مدیران دروغگو حامی ظالمانند»

«مدیر بی‌لیاقت استعفا استعفا»

«مدیر بی‌کفایت استعفا استعفا»

«دولت شده قاچاقچی وای بحال ملت»

«دولت شده قاچاقچی بخور بخور توکاره»

«ستاد فرمان امام حق ماهاروخورده»

«ستاد فرمان امام مخابرات برده حق ماهاروخورده»

«اعتمادمبین سپاه حق ماهاروخورده»

«سهامدار دروغگو حاصل وعده‌هات کو»

«کی حق ماها رو خورده سهامداران عمده»

«مخابرات و بردن به دست دزد سپردن»

تصاویر:

أصفهان:



بیجار:


اجرای متناسب سازی حقوق ۱۴۰۵
حق مسلم ماست
اجرای رأی وحدت رویه ۹۲۳۵ دیوان
حق مسلم ماست
بازنشستگان مشاورات عمار کردستان

تبریز:



تهران:


خصوصی‌سازی مخابرات انجام شد؛
خصوصی‌سازی
حقوق بازنشستگان چرا؟
۱۶۷۴۴ بازنشسته کشوری را
فراموش نکنید!
عدالت، حق ماست؛
نه لطف مسئولان!
۱۶۷۴۴ بازنشسته کشوری
پیش از واگذاری مخابرات
در تاریخ ۱۳۸۸/۸/۱۸ هستیم.



کرمانشاه:



***تجمع اعتراضی کارگران لایروبی آبفا ماهشهر نسبت به بلاتکلیفی شغلی ومعیشتی مقابل فرمانداری**

روزدوشنبه 25 آبان، کارگران لایروبی آبفا ماهشهربرای انعکاس صدای اعتراضشان نسبت به بلاتکلیفی شغلی ومعیشتی مقابلدست به تجمع فرمانداری این شهرستان دراستان زدند.



براساس گزارش رسانه ای شده،طی یک ماه گذشته کارگران لایروبی آبفای بندر ماهشهر که تحت مسئولیت یک شرکت پیمانکار مشغول کار بودند با وضعیت بلاتکلیفی شغلی روبرو شده‌اند .

با خروج پیمانکار قبلی، وضعیت شغلی کارگران مشخص نیست و این امر باعث شده است که کارگران طی یک ماه گذشته عملاً بدون کار و درآمد باشند .

یکی از کارگران این شرکت ضمن ابراز ناامیدی از پیگیری‌های انجام شده، گفت:ما طی روزهای گذشته به ادارات کار، فرمانداری و سایر نهادهای مسئول در شهرستان بندر امام مراجعه کرده‌ایم، اما تاکنون پاسخی قانع کننده ای از سوی مسئولان دریافت نکرده‌ایم .

این کارگران که از بلاتکلیفی وضعیت خود گلایه دارند، از فرمانداری بندر ماهشهر و نهادهای ذی‌ربط می‌خواهند تا با ورود به این پرونده، راهکاری برای وضعیت شغلی و دریافت مطالبات قانونی آنان اتخاذ کنند.

***پایمالی آشکار حقوق کارگران رسمی و باسابقه مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه با بازنشستگی اجباری ؛تعلیق از کار یکی ازاین کارگران با سابقه کنشگروهمچنین تعلیق از کار تعدادی دیگر از کارگران کشنشگر قراردادی و غیررسمی**

برای شنیدن آنچه این روزها در بطن هفت‌تپه می‌گذرد، پای صحبت یکی از کارگران رسمی و باسابقه این مجتمع نشستیم؛ کارگری که به دلیل آشنایی با قوانین کار و ایستادگی در برابر تصمیمات فراقانونی مدیریت، حالا دو ماه است که کارت ورودش باطل شده و بدون ریالی حقوق، در وضعیت تعلیق به سر می‌برد.

ماجرای فشارهای اخیر به بیش از ۶۰ کارگر رسمی این شرکت، ریشه در یک درخواست قدیمی دارد که حالا به بهانه‌ای برای حذف آن‌ها تبدیل شده است. این کارگر هفت‌تپه، شروع این بحران را از سال ۱۴۰۱ روایت می‌کند: «ما حدود ۶۰ تا ۶۶ نفر کارگر رسمی و دارای قرارداد دائم هستیم که از دهه هشتاد وارد شرکت شده‌ایم. سابقه کار هیچ‌کدام از بچه‌ها هنوز به ۳۰ سال نرسیده است؛ بعضی‌ها ۲۴، ۲۵ یا ۲۶ سال سابقه دارند و خود من هم حدود ۲۸ تا ۲۹ سال است که در این شرکت کار می‌کنم. ماجرا از این قرار است که سال ۱۴۰۱ درخواستی برای بازنشستگی داده بودیم، اما همان موقع پشیمان شدیم و از درخواست‌مان انصراف دادیم؛ سازمان تامین اجتماعی هم این انصراف را رسماً قبول کرد و موضوع تمام شد. از سال ۱۴۰۱ تا امروز ما طبق روال عادی سر کار می‌رفتیم و بیمه‌مان رد می‌شد، اما حالا به زور می‌گویند که باید بازنشسته شوید.»

اما وقتی قانون اجازه بازنشستگی اجباری را به کارفرما نمی‌دهد، مدیریت شرکت چطور می‌خواهد این پروژه را پیش ببرد؟ به گفته این کارگر، بعضی از مدیران شرکت کارگران باسابقه را در بن‌بست معیشتی قرار داده‌اند تا خودشان به اجبار پای برگه بازنشستگی را امضا کنند: «طبق قانون ما نه تنها تا ۳۰ سال، بلکه تا ۳۵ سال سابقه یا ۶۵ سال سن می‌توانیم به کار ادامه دهیم تا از مزایا و حقوق کامل ۳۵ روزه استفاده کنیم. حتی سازمان تامین اجتماعی در نامه‌ای به شرکت تاکید کرده که بدون درخواست شخصی کارگر، نمی‌توان هیچ‌کس را بازنشسته کرد. امروز هم که با رئیس تامین اجتماعی استان صحبت می‌کردم، به صراحت گفت تا زمانی که کارگر شخصاً به بیمه نیاید و درخواست ندهد، ما از نظر قانونی اجازه بازنشسته کردن کسی را نداریم. اما بعضی از مدیران شرکت، کارگران را تهدید کرده‌اند که اگر تا ۲۵ اسفندماه درخواست بازنشستگی ندهند، تمام مزایای رفاهی و اضافه‌کار آن‌ها را قطع می‌کنند و فقط حقوق پایه و ثابت را به آن‌ها می‌دهند.»

در واقع، پاشنه آشیل معیشت کارگران هفت‌تپه همین اضافه‌کاری‌هاست که حالا به ابزار فشار مدیریت تبدیل شده است. او در این باره توضیح می‌دهد: «اصلاً بنای کار و دریافتی ما از روز اول استخدام تا امروز، بر پایه همین اضافه‌کار بوده است. این اضافه‌کار در شرکت به یک عرف تبدیل شده و تعرفه مشخصی در قانون دارد؛ بنابراین مدیرعامل نمی‌تواند سلیقه‌ای عمل کند و برای یک یا چند نفر تصمیم بگیرد و آن را قطع کند، بلکه هر تصمیمی باید برای کل مجموعه باشد.

الان بقیه این ۶۰ نفر سر کار می‌روند و حقوق می‌گیرند، اما به آن‌ها فشار می‌آورند و می‌گویند اگر بازنشسته نشوید، تمام مزایا و اضافه‌کار شما را حذف می‌کنیم تا میانگین حقوق بازنشستگی‌تان به حداقل برسد و مبلغ ناچیزی برایتان حساب شود.»

در حالی که سایه تهدید بالای سر تمام این شصت نفر سنگینی می‌کند، تاوان اصلی را کسی پس داده که صدای اعتراضش بلندتر بوده است. پیگیری‌های شغلی ومعیشتی این کارگر، کار را به تعلیق و حتی برخورد کشانده است: «در بحث بازنشستگی اجباریِ کارگران رسمی، فعلاً فقط من را معلق کرده‌اند؛ دلیلش هم این است که پیگیر کارِ کارگران بودم، مدام با مدیریت بحث و پیگیری داشتم. آن‌ها هم از طریق دیوان ابلاغیه‌ای گرفتند و دو ماه است که من را از کار معلق کرده‌اند. در این دو ماه نه تنها حقوقی نگرفته‌ام، بلکه کارت ورودم را هم گرفته‌اند و اجازه کار کردن به من نمی‌دهند. در این مدت چندین بار خواستم برای پیگیری موضوع پیش مدیریت بروم، اما حراست جلوی ورودم را گرفت و نگذاشت مدیریت را ببینم.... البته در بخش کارگران قراردادی و غیررسمی هم دو سه نفر دیگر از همکارانمان هستند که چون پیگیر حق و حقوق خودشان بودند، از کار معلق و عملاً اخراج شده‌اند و الان بدون حقوق، بلاتکلیف مانده‌اند.»

این کارگر باسابقه، دلیل اصلی اصرار مدیریت بر حذف نیروهای قدیمی و رسمی را این‌طور توضیح می‌دهد: «علت اینکه کارگران رسمی را به زور بازنشسته می‌کنند این است که نیروهای قراردادی و روزمزد، قرارداد دائم ندارند و امنیت شغلی‌شان در خطر است. شما می‌دانید هر کارگر قراردادی که بخواهد جلوی مدیریت حرفی بزند یا اعتراضی داشته باشد، خیلی راحت اخراجش می‌کنند و آخر ماه می‌گویند قراردادت تمام شده و دیگر با تو قرارداد نمی‌بندیم؛ همه جا همین است. این در حالی است که طبق قانون و عرف، وقتی کارگر دو قرارداد سه‌ماهه و یک روز، یعنی ۹۱ روز دوره آزمایشی را بگذراند، قراردادش دائمی می‌شود و هیچ‌کس نمی‌تواند به دلخواه خودش کارگر را اخراج کند. اما کارگر از جزئیات قانون خبر ندارد و نمی‌تواند از حق خودش دفاع کند؛ ما چند نفری هم که قوانین کار را می‌دانیم و از طریق مراجع قانونی شکایت می‌کنیم، به این شکل تحت فشار قرار می‌گیریم تا حق کارگران پایمال شود.»

این کارگر ادامه می‌دهد: «مدام ادعا می‌کنند که شرکت هفت‌تپه زیان‌ده است؛ خدا گواه است منی که در این کارخانه کار می‌کنم می‌بینم که شرکت زیان‌ده نیست، بلکه کاملاً سودده است و درآمد خوبی دارد، اما مشکلات جای دیگر است؛ در این مجموعه رانت‌ها و امتیازاتی وجود دارد که باید شفاف‌سازی و روشن شود.

مجموعه کاملاً سودآور است اما سود آن به جیب کارگر نمی‌رود. با کارگران رسمی اینطور برخورد می‌کنند؛ قراردادی‌ها هم که اصلاً وضعیت خوبی ندارند. باید معلوم شود سودها به جیب چه کسی می‌رود؟ ».

بخشی ازیک گزارش رسانه ای شده بتاریخ 25 آبان

***فراخوان دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس برای اعتراض به وضعیت اسف‌بار تغذیه دانشگاه**

با سینی‌های خالی، صدای اعتراضمان را بلند کنیم!

سلام به همه عزیزان و هم‌دانشگاهی‌های گرامی،

همان‌طور که همه در جریان هستید، وضعیت تغذیه دانشگاه روزبه‌روز بدتر می‌شود!

از صبحانه‌ای که نزدیک به دو ماه است خبری از آن نیست، تا غذاهایی که به بهانه‌های مختلف از برنامه غذایی حذف شده‌اند و حالا به شکل مکمل و با هزینه بیشتر به دانشجویان عرضه می‌شوند؛ در کنار کیفیت نامطلوب غذاهایی که حتی وضعیت و سرنوشتشان هم مشخص نیست!

تا کی قرار است دانشجو هزینه بیشتری بپردازد، اما خدمات کمتری دریافت کند؟

این وضعیت دیگر قابل قبول نیست و سکوت در برابر آن چیزی را تغییر نخواهد داد.

وقت آن رسیده که صدای اعتراضمان را یک‌صدا به گوش مسئولان برسانیم.

به همین دلیل از تمام دانشجویان دعوت می‌کنیم روز شنبه ۳۰ آبان‌ماه با همراه داشتن سینی غذا، در یک اعتراض جمعی و مسالمت‌آمیز شرکت کنیم و از مقابل سلف پسران تا ساختمان مرکزی، اعتراض خودمان را نسبت به وضعیت نابسامان تغذیه دانشگاه اعلام کنیم.

قرار ما: شنبه ۳۰ آبان‌ماه

ساعت ۱۲ ظهر

مقابل سلف مرکزی

حضور تک‌تک ما اهمیت دارد. این مطالبه، مطالبه یک گروه یا یک دانشکده نیست؛ مسئله همه دانشجویان است.

با سینی‌های خالی، صدای اعتراضمان را بلند کنیم!

منتظر حضور پرشور همه شما هستیم.

***رد صلاحیت گستردهٔ دانشجویان کاندید برای شورای صنفی**

بنا بر گزارش‌های رسیده به تهران-دانشجو، تعداد زیادی از دانشجویانی که برای عضویت در شورای صنفی سال تحصیلی ۰۶-۱۴۰۵ کاندید شده بودند، رد صلاحیت شدند.

رد صلاحیت شدن کاندیدهایی که توسط حراست دانشگاه، وزارت اطلاعات یا دیگر نهادهای نظارتی حاکمیت ایران "خطرناک" قلمداد می‌شوند، امری معمول است و در قوانین مدون مربوطه، حد و مرز و شیوهٔ اجرای آن ذکر شده است.

از جمله شروط پذیرفته شدن دانشجویان برای کاندید شدن که در شیوه‌نامه‌های مرتبط با عملکرد شورای صنفی و دیگر تشکل‌ها ذکر شده است، "التزام عملی به قانون اساسی و ولایت فقیه"، "نداشتن محکومیت قطعی انضباطی یا قضایی" و "عدم اشتهار به ارتکاب اعمال و رفتار مغایر با مقررات موسسه یا شئون اخلاقی و رفتاری دانشجویی، و عدم اشتهار به مشکلات روان‌شناختی به تایید مراجع ذی‌صلاح" است .

در انتخابات امسال اما گویا در میان این موارد، شرط آخر نقشی اساسی‌تر از دیگر شروط بازی کرده است. بنا بر گزارش‌ها، تعداد زیادی از دانشجویانی که هیچ حکمی در کمیتهٔ انضباطی یا قوهٔ قضاییه نداشتند و می‌بایست می‌توانستند در انتخابات صنفی کاندید شوند، رد صلاحیت شدند.

در وهلهٔ اول، حراست دانشگاه مسئول رد صلاحیت کردن کاندیداهاست. استعلام هر شخصی که کاندید می‌شود از حراست دانشگاه تهران گرفته می‌شود و راجع‌به امکان حضور یا عدم حضور او تصمیم‌گیری می‌شود. حراست دانشگاه نیز با استناد به شرط اشتهار، هر کسی را که دلش بخواهد رد صلاحیت می‌کند؛ بدون این‌که جواب‌گوی کسی باشد.

شرط عدم اشتهار به حراست دانشگاه اجازه می‌دهد تا بدون هیچ‌گونه مدرک یا مستندی، دانشجویی را رد صلاحیت کند. حراست نیز در اعمال این شرط، برخلاف اصل "تفسیر مضیق" _که ایجاب می‌کند در قوانینی از این دست که در آن‌ها مصداقی مشخص نشده است و قوانین کلی هستند، سخت‌گیری نشود_ دست و دلبازی کرده و هر دانشجویی را که دلش می‌خواهد، از انتخابات کنار می‌گذارد.

برای مثال، برخی از دانشجویانی که امسال رد صلاحیت شدند، ترم اول ارشد بودند و اساساً هیچ پرونده یا "اشتهاری" به چیزی نداشتند. اما حراست به هر دلیلی آنان را "خطرناک" قلمداد کرده و رد صلاحیت کرده است .

این همه در حالی‌ست که تعداد کاندیدهای شورای صنفی امسال افزایش قابل‌توجهی به نسبت سال‌های گذشته داشته است. جمهوری اسلامی به خوبی از اهمیت شورای صنفی درون دانشگاه آگاه است و از همین رو سعی می‌کند آن را با رد صلاحیت دانشجویان خنثی کند.

دانشگاه تهران- دانشجو

***رفتارهای توهین‌آمیز نهاد حراست دانشگاه خواجه نصرالدین طوسی به بهانهٔ کنترل پوشش**

از زمان آغاز نیم‌سال تحصیلی جدید، فشارهای نهاد حراست دانشگاه به‌طور فزاینده‌ای افزایش یافته است؛ به‌گونه‌ای که دانشجویان را نسبت به وظیفهٔ اصلی این نهاد دچار تردید کرده است.

نیروهای نهاد حراست که وظیفهٔ اصلی آن‌ها تأمین آرامش و حفاظت از امنیت جانی و مالی دانشجویان است، با گشت‌زنی‌های گسترده در محیط پردیس و ایجاد اختلال در امور روزمرهٔ دانشجویان، موجی از شکایت‌ها و نارضایتی‌ها را به همراه داشته‌اند. رفتارهای نادرست و خلاف شأن محیط آکادمیک با دانشجویان دختر به بهانه پوشش آن‌ها، همچنین رفتارهای خارج از عرف برخی از نیروهای حراست، از جمله مواردی بوده‌اند که گزارش آن‌ها به شورای صنفی رسیده است.

همچنین، امروز، مورخ ۲۵/۰۸/۱۴۰۴، گزارشی در قالب روایت شاهدان عینی حاضر در نزدیکی دفتر حراست پردیس ونک به شورای صنفی دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی رسیده است که نمونه‌ای از این رفتارها را نشان می‌دهد. این گزارش حاکی از توهین و به‌کارگیری لحن تحقیرآمیز از سوی نیروهای حراست پردیس در مواجهه با دو دانشجوی دختر است؛ رفتاری که توجیه آن، تحت عنوان «تذکر مسالمت‌آمیز برای پوشش»، مطرح شده است.

شورای صنفی اعلام می‌کند که این رفتارهای ناموجه از سوی نهاد حراست، به بهانه تذکر و صیانت از حقوق دانشجویان، نه‌تنها رویکردی صحیح و قابل‌قبول نیست، بلکه مصداقی از اعمال فشار و مداخله در حریم خصوصی و حقوق فردی دانشجویان است. تداوم چنین رفتارهایی همواره با مخالفت و واکنش شورای صنفی همراه بوده و خواهد بود.

شورای صنفی پردیس ونک

***اقدام به تعرض به سه اینترن زن در بیمارستان بجنورد**

شامگاه ۲۴ آبان، یکی از بیماران بستری در بیمارستان امام حسن بجنورد با ورود به اتاق استراحت اینترن‌های زن، آن‌ها را تهدید و اقدام به تعرض به سه تن از آنان کرد. بنا بر روایت‌های منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی، حدود ۱۵ دقیقه طول کشید تا دانشجویان بتوانند در را باز کنند و درخواست کمک کنند.

این حادثه بار دیگر نبودِ ابتدایی‌ترین امکانات امنیتی در بیمارستان را آشکار کرد. در پاویون محل استراحت دانشجویان خراب است و حتی قفل ندارد؛ مسئله‌ای که امکان تأمین حداقل امنیت برای دانشجویان را نیز از بین می‌برد. با این حال، به‌جای پاسخ‌گویی درباره این وضعیت و رفع کمبودهای امنیتی، مسئولان برخوردی غیرمسئولانه با حادثه داشته‌اند.

مسئولان نه‌تنها مسئولیت این وضعیت را نپذیرفته‌اند، بلکه دانشجویان را مقصر دانسته و اعلام کرده‌اند که «اینترن حق خوابیدن ندارد»! این در حالی است که تأمین امنیت جانی و روانی دانشجویان در محیط بیمارستان، به‌ویژه در محل استراحت آن‌ها، از ابتدایی‌ترین وظایف مسئولان دانشگاه است؛ وظیفه‌ای که نمی‌توان با سرزنش دانشجویان از زیر بار آن شانه خالی کرد.

منبع:کانال دانشجویان متحد

***برگی از تاریخ**

قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای

بازنشر بخش‌هایی از کتاب «پنجاه سال کانون نویسندگان ایران»

در بخش‌هایی از نخستین جلد کتاب «پنجاه سال کانون نویسندگان ایران» آمده است:

»به لطف وجود همین نشست‌های مشورتی، در پی دستگیری علی‌اکبر سعیدی سیرجانی در ۲۳ اسفند ۱۳۷۲ به اتهامی واهی [توزیع مواد مخدر و مشروبات الکلی]، نویسندگان بی‌درنگ در اعتراض به بازداشت و برخوردهای اهانت‌آمیز با او و آثارش نامه‌ای خطاب به رئیس قوه قضاییه نوشتند و خواستار تأمین حقوق انسانی و قانونی او شدند. این نامه که در آغاز فروردین ۱۳۷۳ با هفده امضا تهیه شده بود هنگام انتشار در ۱۹ فروردین به ۷۱ امضا رسید. این اعتراض البته تأثیری در سرنوشت سعیدی سیرجانی نداشت و چندی بعد (۶ آذر) اعلام شد که بر اثر حمله قلبی در زندان درگذشته است.

بااین‌همه، علی‌اشرف درویشیان درباره‌ی این حرکت جمعی می‌گوید که در جریان بازداشت سعیدی سیرجانی همه در جلسات مشورتی می‌آمدند، از شاملو و براهنی گرفته تا گلشیری و مختاری، و هرچند که او از لحاظ فکری و شخصیتی با اعضای کانون نویسندگان نزدیکی نداشت، به‌طور جدی فعالیت می‌کردند. کانون، به خاطر این‌که او از اهل‌قلم بود و به خاطر آزادی اندیشه و بیان که همواره یکی از اصول خدشه‌ناپذیر منشور کانون است دستگیر شده بود، خودش را موظف دانست که اطلاعیه‌ای صادر کند و علت دستگیری سعیدی سیرجانی را از قوه قضاییه بخواهد و به نظر من این پاسخی است به کسانی که می‌گویند کانون یک نهاد بسته است و تنها یک گروه خاص هستند که جمع شده‌اند و تصمیمات خاص می‌گیرند. به نظر من این نمونه خوبی است در مورد زنده‌یاد سعیدی سیرجانی که کانون اطلاعیه داد و به خاطر همین اطلاعیه بسیاری از بچه‌های کانون به دادگاه انقلاب و سایر مکان‌ها احضار و بازجویی شدند، رو به دیوار نگه داشته شدند و بازجویی و اذیت شدند.

کم‌تر از دو هفته پس از تحویل نامه‌ی اعتراضی به قوه‌ی قضاییه، هوشنگ گلشیری و رضا براهنی و محمود دولت‌آبادی را به دادسرای انقلاب احضار کردند و به آنان گفته شد جمع امضاکننده بهتر است امضاهای خود را پس بگیرند وگرنه عواقب آن دامن‌گیرشان خواهد شد. با ابلاغ این خواسته‌ی مقامات امنیتی به نشست جمع مشورتی، همگی متفق‌القول و با وجود خطری که تهدیدشان می‌کرد هرگونه پاسخ‌دادن به این خواسته را نادرست دانستند.

بحث‌هایی که از سال گذشته درباره‌ی شیوه‌ی واکنش در برابر هجوم هتاکی‌ها به نویسندگان مطرح بود دوباره به میان آمد. و در نهایت، جمع به این نتیجه رسید که، بدون اشاره‌ی مستقیم به افتراها، گزارشی از تنگنای اسف‌انگیز اهل قلم تهیه کند تا هم پاسخی به کارگزاران فرهنگی و سیاسی حاکمیت باشد و هم دفاع نویسندگان در برابر هرگونه اتهامی که ممکن بود بر هر نویسنده یا کانون نویسندگان ایران وارد آورند.

بنا را بر این گذاشتند که نگارش متن در جمع مشورتی و به صورت جمعی صورت پذیرد. ملاحظات بسیاری نیز، حتی برای تاریخ انتشار، باید در نظر گرفته می‌شد. از این گذشته، در آن روزگار پر تب‌وتاب هر روز رویدادی پیش می‌آمد که بررسی یا واکنش به آن وقت جمع را می‌گرفت. بنابراین نگارش این متن با عنوان «ما نویسنده‌ایم» شش‌ماه زمان بُرد، تا سرانجام در ۲۳ مهر به امضای ۱۳۴ نویسنده رسید و سپس برای مطبوعات داخلی و همچنین انجمن بین‌المللی قلم ارسال شد، و از این رو به متن" ۱۳۴ نویسنده" شهرت یافت». (صفحه‌های ۱۶۴ و ۱۶۵(

»نخستین روز پائیز سال ۱۳۷۷خبر رسید که حمید حاجی‌زاده، شاعر کرمانی، و پسر نُه‌ساله‌اش کارون در کرمان کاردآجین شده‌اند. پنج روز بعد، در ۶ مهر احضاریه‌ی دادگاه انقلاب به دست همه‌ی اعضای کمیته تدارک مجمع عمومی کانون نویسندگان ایران رسید (جز محمود دولت‌آبادی که در ایران نبود). و سه روز بعد لغو مجمع عمومی اعلام شد.

اما این تازه آغاز کار بود. زنجیره‌ی قتل‌های سیاسی برای ارعاب روشنفکران و پراکندن هراس بیش‌تر در جامعه ادامه یافت. در واپسین روز آبان‌ماه پروانه اسکندری و داریوش فروهر (از چهره‌های سیاسی) در خانه‌ی خود کاردآجین شدند و چهار روز بعد پیکر مجید شریف(نویسنده و مترجم) که از ۲۸ آبان گم شده بود در پزشکی قانونی تهران شناسایی شد. همان روز، هشتاد

شخصیت فرهنگی و سیاسی در نامه‌ای به رئیس‌جمهور با ابراز نگرانی فراوان از ناپدید شدن پیروز دوانی خبر دادند. (او هرگز پیدا نشد.) پیش از آن، اعضای کمیته تدارک مجمع عمومی کانون (کوشان، درویشیان، گلشیری، مختاری، پوینده و کردوانی) نیز که سایه‌ی مرگ را بالای سر خود می‌دیدند شرح آن‌چه را بر آنان رفته بود در نامه‌ای به دفتر ریاست جمهوری فکس کرده بودند.

یازدهم آذر که مراسم سومین روز درگذشت حمید مصدق برگزار شد، محمد مختاری و جعفر پوینده نیز در آن جمع حضور داشتند. فردای آن روز مختاری برای خرید از خانه خارج شد، و هرگز باز نیامد. خبر مفقود شدن او در سراسر جهان پیچید.

دوشنبه ۱۶ آذر، در مراسم بزرگ‌داشت حمید مصدق در کوی نویسندگان، نامه‌ای با بیست امضا خطاب به رئیس‌جمهور تهیه شد که از ناپدید شدن مختاری ابراز نگرانی می‌کرد. سه‌شنبه مریم حسین‌زاده، همسر مختاری، نامه‌ای برای رئیس‌جمهور فرستاد. اما روز بعد، چهارشنبه ۱۸ آذر، سیاوش مختاری جنازه‌ی پدر را در پزشکی قانونی یافت که علت مرگ او را خفگی اعلام کرده بودند.

همان روز خبر رسید محمدجعفر پوینده که محل کار خود (در خیابان ایرانشهر) را برای شرکت در جلسه اتحادیه ناشران ترک کرده بود به خانه بازنگشته است. جست‌وجویی پرالتهاب برای یافتن پوینده به راه افتاد اما هیچ اثری از او به دست نیامد.

افکار عمومی جهان پس از قتل مختاری و ناپدیدشدن پوینده واکنشی گسترده نشان داد. روشنفکران برجسته‌ای چون هارولد پینتر، یورگن هابرماس، آلن تورن، آرتور میلر و صدها نویسنده و هنرمند دیگر و ده‌ها انجمن قلم از دولت ایران خواستند که در قبال کشتار نویسندگان و دگراندیشان خاموش ننشیند. مدیر اجرایی بخش خاورمیانه و شمال آفریقا در سازمان «دیده‌بان حقوق بشر» در واکنش به قتل مختاری و دیگر چهره‌های مخالف در ایران خواستار تحقیق فوری دولت ایران در مورد قتل‌ها و اعلام عمومی نتایج تحقیقات شد. مدیرکل یونسکو و ده‌ها شخصیت بین‌المللی دیگر ترورهای اخیر را محکوم کردند.

جمعی از اهل قلم با انتشار نامه‌ای سرگشاده خطاب به رئیس‌جمهور در ۲۱ آذر خواستار تأمین امنیت کامل برای فعالیت عادی و فرهنگی خود، شناسایی و محاکمه‌ی عاملان قتل‌های این چند سال، و فراهم‌آمدن شرایط برای فعالیت علنی کانون نویسندگان ایران به عنوان سازمان صنفی خود شدند.

عصر همان روز، از آگاهی تهران به سیما صاحبی، همسر پوینده، خبر دادند که پیکر بی‌جان همسرش ۱۹ آذرماه در کنار پل راه‌آهن بادامک شهریار بدون اوراق شناسایی پیدا شده است. به گزارش پزشکی قانونی، پوینده را با طناب خفه کرده بودند. افشای این فجایع موج عظیمی از اعتراض و محکومیت این جنایت‌ها در داخل و خارج کشور به راه انداخت». (صفحه‌های ۱۷۲ و ۱۷۳)

***سوگند صیادی؛ از مدرسه تا مسلخ خشونت و مرگ!**

سوگند صیادی، ۱۶ ساله، دانش آموزان یکی از مدارس کرمانشاه، روز ۲۳ آبان ماه ۱۴۰۵، توسط مدیر و معاونان مدرسه به سبب پی بردن به مسائل خصوصی، عاطفی و انسانی وی، تصمیم می‌گیرند

که با خانواده تماس بگیرند، سوگند با شناختی که از پدرش دارد اصرار می‌کند مسأله را فاش نکنند چون می‌ترسد کشته شود؛ اما مسئولان نادان و شنیع مدرسه با پدر تماس می‌گیرند، وی به مدرسه می‌آید و با شنیدن ماجرا، سوگند را مورد ضرب و شتم شدید قرار می‌دهد، بعد به خانه می‌برد؛ در خانه خشونت تکرار می‌شود و پدر با تکیه بر قوانین منحطی که به سود اوست، سوگند را از طبقه پنجم به خیابان پرت می‌کند و در دم جان می‌سپارد.

این قتل جانکاه، لکه‌ی ننگی بر پیشانی وزارت آموزش و پرورش تا همیشه‌ی تاریخ است.

مدرسه که باید امن‌ترین مکان برای رشد، آگاهی و بلوغ عاطفی دانش آموزان باشد تا بتوانند با امنیت کامل، مسائل خاص خود را مطرح کنند و راه عقلانی را بیاموزند، به محیطی امنیتی تبدیل می‌شود. بجای اینکه با عقلانیت و تدبیر آنان را برای زیستن در جامعه آماده کنند و با قوانین انسانی آشنا سازند، با سبعیت، آنان را به قوانین مرگ آفرین نرینه سالاری می‌سپارند که مرگ را تدارک دیده است.

وقتی مدارس با قوانین ارتجاعی و ایدئولوژیک حاکمیت اداره می‌شوند و از وزیر تا مدیر به برده‌ی تمام عیار این دم و دستگاه امنیتی و خردستیز مبدل می‌شوند، سپردن سوگندها به قربانگاه ناموس پرستی وقیحانه، امری عادی و معمولی تلقی می‌شود .

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، ضمن محکوم کردن این جنایت هولناک و مخالفت صریح با رویه‌های نابخردانه در سیستم ناکارآمد آموزشی، همگام با دانش‌آموزان، معلمان و مردم آگاه اعلام می‌کند :

هر قانونی، بر گرفته از هر منبعی که چنین جنایتکارانی را تبرئه می‌کند، باید از دستگاه قضایی برچیده شود.

وزارت آموزش و پرورش باید پاسخگوی عملکرد ناانسانی خود، اداره کل و کادر اجرایی مدرسه مذکور باشد.

به نگاه امنیتی و انضباطی و مداخله‌ی ضد انسانی در زندگی خصوصی دانش آموزان پایان داده شود.

قوانین خشونت‌بار مردسالارانه را در مدارس ملغی اعلام کند.

از مشاوران متخصص و آگاه به مسائل نوجوانان بصورت ویژه و حرفه‌ای استفاده شود.

نسبت به ایجاد تشکل‌های دانش‌آموزی مستقل توأم با تقویت نهادهای حمایتی مرتبط اقدام کند.

***#بیانیه مشترک تشکل های مستقل**

در سوگ کارگران ان جی ال ۳۳۰۰ و محکومیت عاملان حوادث کار

شبکه های خبری محلی استان ایلام و رسانه های جمعی به نقل از منابع خبری شرکت نفت، حادثه ای دردناک که حاکی از جان باختن ۱۰ کارگر و مصدومیت ۱۸ نفر دیگر است، مخابره کردند. طبق آخرین اخبار تاکنون تعداد جان باختگان به ۱۲ تن رسیده است. یاد این عزیزان را گرامی می داریم و

در غم خانواده ها شریک هستیم. این حادثه در شامگاه پنجشنبه ۲۲ آبان در اثر واژگونی اتوبوس سرویس کارکنان کارخانه گاز مایع ان جی ال ۳۳۰۰ در محور دشت عباس به آبتاف در شهرستان دهلران رخ داد. بازتاب این حادثه مرگبار، سایه سنگین فقدان کارگران ماهر (مهندس) جوانی که تن های خسته خود را در آرامشی موقت، در تعویض شیفت و در مجالی کوتاه از کارخانه به خانه به صندلی های اتوبوس سپرده بودند؛ استان ایلام و منطقه جنوب غرب و جنوب کشور و جامعه کارگری را در اندوه بزرگی فرو برد. این بار تکرار حادثه در ارابه مرگ زیر عنوان سرویس کارکنان رقم خورد و ۱۲ خانواده را به سوگ فرزندان و نان آوران خود نشاند. مرگ این عزیزان زحمتکش در رسانه های خبری همچون حادثه ای تلخ انعکاس یافت. اما هنگامی که در عمق این حادثه کنکاش می کنیم با آماری روبرو هستیم که مرگ کارگران را در تسلسل و تکرار شرایط غیر ایمنی به امری فاجعه بار بدل کرده است. سالنامه آماری سازمان تأمین‌اجتماعی گزارش داده است که در سال ۱۴۰۴ تعداد ۳۶ هزار و ۳ نفر از افراد زیر پوشش این سازمان در حوادث ناشی از کار آسیب دیده اند و ۶۶۸ مورد فوت ناشی از حادثه کار نیز ثبت شده است. بر اساس این آمار در سال ۱۴۰۴ به طور متوسط روزانه ۱۰۰ نفر از افراد زیر پوشش این سازمان آسیب دیده اند. در همین سال (۱۴۰۴) دست کم یک هزار و ۲۷۰ نفر در حوادث کاری جان باخته اند. مشابه این حوادث، ما در بسیاری از مراکز کارگری، خدماتی، در راه ها و اسکله ها، معادن و شرکت های ساختمانی به وفور مشاهده می کنیم. تا زمانی که برای بهبود و ایمن سازی ناوگان حمل و نقل و جاده های شهری و برون شهری و کارخانه ها و معادن، کمترین هزینه ها اختصاص می یابد و برای جان انسان های زحمتکش هیچ ارزشی از سوی حکومت ها قائل نمی شوند، ما همچنان باید شاهد افزایش حوادث و مرگ کارگران باشیم. آنچه می تواند به کاهش حوادث کار و به تبع آن کاهش مرگ و مصدومیت کارگران کمک کند، تأمین منابع مالی برای سالم سازی شرایط کار و ایجاد تشکل های پایدار و مستقل کارگران به عنوان ناظران و باز دارندگان ستم سرمایه، در محل کار می باشد. قدرت جمعی کارگران باید کارفرما و دولت سرمایه داری را برای برقراری شرایط مساعد و استاندارد در جامعه و کارخانه مجبور نماید.

۲۵ آبان ۱۴۰۵

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

کارگران بازنشسته خوزستان

گروه اتحاد بازنشستگان

***آغاز سی‌وششمین کنفرانس سراسری کشاورزان با راهپیمایی گسترده در تلانگانا هند**

روز یکشنبه 15 نوامبر،سی‌وششمین کنفرانس سراسری اتحادیه کشاورزان سراسر هند (AIKS) با راهپیمایی گسترده هزاران کشاورز، کارگران کشاورزی و نمایندگان تشکل‌های مردمی در شهر نالگوندا، ایالت تلانگانا آغاز شد. این راهپیمایی به طول حدود چهار کیلومتر برگزار شد و

شرکت‌کنندگان با سر دادن شعارهایی علیه سلطه شرکت‌های بزرگ بر بخش کشاورزی، خواستار دفاع از حقوق کشاورزان شدند.



شعار این کنفرانس که تا 18 نوامبر ادامه دارد، «مقاومت در برابر حملات شرکت‌ها به کشاورزان و کشاورزی و اتحاد برای ساختن یک بدیل مردمی» اعلام شده است. بررسی پیامدهای توافق‌های تجارت آزاد، حمایت از کشاورزان و کارگران کشاورزی، قیمت محصولات و مقابله با تمرکز مالکیت زمین در دست شرکت‌های بزرگ از محورهای این گردهمایی است. حدود ۸۵۰ نماینده و ناظر در کنفرانس حضور دارند.

***اعتصاب نامحدود 4 هزار معلم لیتوانی در اعتراض به افزایش ناکافی دستمزدها**

از ساعت 8 صبح روز دوشنبه 16 نوامبر، حدود 4 هزار معلم و مربی در 222 مرکز آموزشی لیتوانی در اعتراض به افزایش ناکافی دستمزدها اعتصاب نامحدود خود را آغاز کردند. این اعتصاب را اتحادیه کارگران آموزش و پرورش لیتوانی (LŠDPS) سازمان داده است.



اتحادیه خواستار افزایش حداقل 10 درصدی ضرایب حقوق معلمان و اقدام برای رساندن متوسط دستمزد آنان به 130 درصد متوسط دستمزد کشور است. دولت برای سال 2027 افزایش 7/56 درصدی حقوق معلمان را در بودجه پیش‌بینی کرده است. اتحادیه اعلام کرده اعتصاب تا آغاز مذاکرات واقعی و دستیابی به توافق درباره مطالبات معلمان ادامه خواهد داشت.

***مسدود کردن ورودی کارخانه تسلیحاتی دایهل دیفنس آلمان در اعتراض به صادرات سلاح به اسرائیل**

روز دوشنبه 16 نوامبر،بیش از 50 فعال صلح‌طلب با مسدود کردن ورودی کارخانه مهمات‌سازی شرکت «دایهل دیفنس» (Diehl Defence) در شهر لوبن در ایالت براندنبورگ آلمان، خواستار توقف صادرات سلاح این کشور به اسرائیل شدند. در جریان این اقدام، 34 نفر از معترضان خود را به سطح جاده چسباندند و پلیس پس از چند ساعت مسیر ورودی کارخانه را باز کرد.



این حرکت را گروه «Peacefully Against Genocide» سازمان داده بود. معترضان همچنین به همکاری شرکت دایهل با شرکت‌های تسلیحاتی اسرائیلی البیت سیستمز و رافائل اعتراض کردند. این اقدام آغاز هفته‌ای از اعتراضات علیه صنایع تسلیحاتی آلمان اعلام شده و برگزارکنندگان از گسترش اعتراض‌ها به مقابل کارخانه‌های دیگر خبر داده‌اند .

***اعتصاب و تجمع سراسری کارگران پست نروژ در اعتراض به حذف 2 هزار شغل**

اعتصاب همبستگی کارگران حمل‌ونقل اسلو

روز دوشنبه 16 نوامبر،هزاران کارگر پست نروژ در اعتراض به برنامه دولت برای کاهش خدمات پستی و حذف حدود 2 هزار شغل از مجموع 3 هزار شغل موجود، دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب با تجمع‌های اعتراضی در بیش از 40 شهر و منطقه کشور همراه بود.



اتحادیه کارکنان خدمات عمومی نروژ (Fagforbundet) اعلام کرد اجرای برنامه دولت می‌تواند از اول ژوئیه 2027، به اخراج دو سوم کارکنان پست منجر شود و تحویل نامه‌ها را از دو روز به یک روز در هفته کاهش دهد.

در اقدامی همبستگی‌آمیز، کارکنان مترو و تراموای اسلو نیز از ساعت 15 به مدت 15 دقیقه دست از کار کشیدند. معترضان خواستار توقف برنامه کاهش اشتغال و حفظ شبکه سراسری خدمات پستی شدند. اتحادیه همچنین پیشنهاد کرده است خدمات تحویل اطلاعات و مرسولات به درِ خانه افراد بالای 75 سال گسترش یابد تا هم اشتغال حفظ شود و هم خدمات عمومی تقویت شود.

***اعتصاب 3 روزه کارگران و رانندگان متروپرتغال برای افزایش دستمزد وبهبود شرایط کاری**

از ساعت 4 بامداد روزدوشنبه 16، نوامبر کارگران و رانندگان شرکت حمل‌ونقل مترو جنوب تاگوس (MTS)در شهرهای آلمادا و سیشال پرتغال، اعتصاب سه‌روزه خود را آغاز کردند. این اعتصاب را اتحادیه ملی رانندگان راه‌آهن پرتغال (SMAQ) در پی بن‌بست مذاکرات قرارداد جمعی کار سازمان داده است.



کارگران خواستار دستیابی به توافقی برای تنظیم روابط کار، به‌رسمیت شناختن حقوق و مسئولیت‌های شغلی و افزایش دستمزدها متناسب با افزایش هزینه‌های زندگی، از جمله مسکن، انرژی و مواد غذایی هستند. اتحادیه اعلام کرده است که اعتصاب در مرحله نخست تا ساعت 4 بامداد پنجشنبه 19 نوامبر ادامه خواهد داشت و پس از آن تا 23 نوامبر به شکل محدودتر ادامه می‌یابد.

به گفته اتحادیه، اعتصاب در نخستین روز با مشارکت گسترده کارگران همراه بود. شرکت MTS این اعتصاب را نامتناسب خوانده و اعلام کرده است که طی چهار سال گذشته دستمزدها را بین 7/7 تا 12/8 درصد افزایش داده است.

***ادامه پرپرشدن کارگران براثر حوادث کاری زیرسایه بی خیالی صاحب منصبان:**

1- جان باختن یکی دیگر ازکارگران مصدوم حادثه واژگونی سرویس رفت و آمد کارگران مجتمع گاز و گاز مایع NGL3100 دهلران در بیمارستان دزفول

روز دوشنبه 25 آبان، یکی دیگر ازکارگران مصدوم حادثه واژگونی سرویس رفت و آمد کارگران مجتمع گاز و گاز مایع NGL3100 دهلران بنام محسن فیلی در بیمارستان گنجویان دزفول جان باخت وبدینترتیب شمار کارگران جان باخته این حادثه دلخراش به 13 نفر رسید.

بنا به گزارش رسانه ای شده، دوکارگر مصدوم دیگر این حادثه به نام‌های مهدی کریم‌زاده و نعیم محمدولی همچنان در بخش مراقبت‌های ویژه تحت مراقبت هستند.

2- جان باختن یک کارگرپتروشیمی فن‌آوران پس از 36 ساعت دست و پنجه نرم کردن با مرگ در بیمارستان

روزدوشنبه 25 آبان،یک کارگرپتروشیمی فن‌آوران بنام عباس آلبوغبیش که روز گذشته براثر حادثه حین کار و مصدومیت به بیمارستان منتقل شده بود،جان باخت.

3- قطع عضو 3 کارگردراراک براثر حوادث کاری طی 3 ساعت

روزیکشنبه 24 آبان، طی 3 ساعت 3 کارگر براثر حوادث کاری جداگانه در اراک دچار آسیب‌های شدید و قطع عضو شدند.

. در حادثه‌ای که روز گذشته همزمان در یکی از واحدهای شهرک صنعتی شماره یک و محدوده سه‌راهی خمین به وقوع پیوست، دو کارگر حین کار با ماشین‌آلات صنعتی دچار حادثه شدند. شدت برخورد و نوع حادثه در هر دو مورد، منجر به قطع انگشتان دست این دو کارگر شد .

در حادثه‌ای دیگر که در همان روز در محدوده مسن‌آباد اراک رخ داد، یک کارگر در جریان فعالیت در یک واحد صنعتی دامی، دچار آسیب بسیار جدی شد که در نهایت منجر به قطع عضو وی از ناحیه مچ دست گردید .

5- جان باختن یک کارگر سوخت بر دیگربراثرتصادف درجاده شهربزمان به ایرانشهر

یک کارگر سوخت بردیگر+ بنام محمد عظیم سرکوری مقدم براثرتصادف درجاده شهربزمان به ایرانشهر، جان خود را از دست داد.

+جان باختن یک کارگر سوخت بر درجاده شهربزمان به ایرانشهر بر اثر واژگونی خودرو

یک یک کارگر سوخت بر26 ساله بنام امید شه بخش اهل بلوچستان حین رانندگی در محور شهر بزمان به ایرانشهر در استان سیستان و بلوچستان‌بر اثر واژگونی خودروبدلیل نقص فنی در لاستیک خودرو جان باخت.

akhbarkargari2468@gmail.com